

مقاله‌ی کوتاه

مجله‌ی علمی-پژوهشی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز
سال دوازدهم، شماره‌ی سوم، پاییز ۱۳۹۹، پیاپی ۴۵، صص ۲۹۵-۳۰۶
[DOI:10.22099/jba.2020.35788.3614](https://doi.org/10.22099/jba.2020.35788.3614)

تصحیح و توضیح یک بیت از دیوان رودکی سمرقندی

زهره نصیری شیراز* نصرالله امامی** سجاد دهقان***
دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

رودکی سمرقندی از جمله شاعران پیشگام و برجسته‌ی حوزه‌ی ادبی خراسان است. شعر رودکی به دلیل سادگی و روانی همواره توجه بسیاری از شاعران هم‌عصر و دوره‌های بعد را به خود جلب کرده است. اشعار رودکی به سبب اشتغال بر لغات کهن دری، سبک شاعری و اندیشه‌های وی، مورد توجه پژوهشگران فارسی‌زبان در ایران، تاجیکستان و افغانستان قرار گرفته است. اگرچه دیوان رودکی در گذر حوادث روزگار به تاراج رفته و جز ابیات اندکی از آن به دست ما نرسیده است، برخی مصححان از جمله: براگینسکی، نفیسی، میرزایف و... از اشعار پرشمار این شاعر، مقدار بسیار ناچیزی را از لابه‌لای متون بیرون آورده‌اند که بسیاری از آن اشعار به دو یا چند شاعر دیگر نیز منسوب است. به همین دلیل بازبایی یا تصحیح بیت یا ابیاتی از رودکی، در این روزگار برای رودکی‌پژوهان و دوستداران اشعار وی بسیار اهمیت دارد. نگارندگان در پژوهش حاضر سعی دارند ایراد موجود در مصراع نخست این بیت رودکی را:

* استادیار زبان و ادبیات فارسی Zahra.nasirishiraz@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

** استاد زبان و ادبیات فارسی nasemami@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی sajjad_dehghan@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۴/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۶

چنان‌که اشتر ابله سوی کنام شده ز مکر روبه و زاغ و ز گرگ بی‌خبر
که گوشه‌چشمی به حکایتی از کلبله و دمنه دارد، بررسی کنند و درباره‌ی ضبط مصراع
دوم نیز پیشنهادی ارائه دهند.

واژه‌های کلیدی: تصحیح، دیوان رودکی، رودکی، کلبله و دمنه، لغت فرس.

۱. مقدمه

دیوان اشعار رودکی سمرقندی، از جمله دیوان‌های برجسته‌ی شعر حوزه‌ی خراسان است که علی‌رغم کوشش فراوان مصححان و پژوهشگران، تاکنون متن مستقلی از آن به دست نیامده است. با وجود این، از اشعار پراکنده‌ی منسوب به این شاعر در منابع کهن، تاکنون چاپ‌های متعددی صورت گرفته است که مهم‌ترین آن، کتاب *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی اثر نفیسی* است.^۱

بسیاری از ابیات بازمانده‌ی رودکی، با توجه به دیرینگی زبان و بنابه دلایل مختلفی، از جمله کاستی‌هایی که خواسته و ناخواسته به دست کاتبان نسخه‌های خطی در ضبط اشعار رقم خورده، دارای ایرادات تصحیفی، تحریفی و ضبط‌هایی برساخته است که مصححان و پژوهشگران در سده‌ی اخیر درصدد رفع این آن‌ها برآمده و آثاری در این زمینه تألیف کرده‌اند. در پژوهش حاضر، نگارندگان با توجه به اهمیت وافر شعر شاعران حوزه‌ی خراسان، به‌ویژه رودکی، سعی دارند یک بیت از ابیات پراکنده‌ی بازمانده از اشعار وی را با توجه به قراین و شواهد متقن بررسی و تصحیح کنند. این بیت در اغلب چاپ‌های دیوان رودکی بدین صورت نقل شده است:

چنان‌که اشتر ابله سوی کنام شده ز مکر روبه و زاغ و ز گرگ بی‌خبر

(نفیسی، ۱۳۴۱:۵۱۹)

در مصراع نخست این بیت، واژه‌ی «ابله» و در مصراع دوم، واژه‌ی «روبه»، با توجه به داستان کلبله و دمنه، که بیت رودکی گوشه‌چشمی به آن دارد، محلّ بحث است. نگارندگان در ادامه‌ی این پژوهش، پس از ارائه‌ی گزارش ضبط این بیت در منابع مستند و مراجعه به سایر منابع، درباره‌ی این دو ایراد و چگونگی رفع آن، بحث خواهند کرد.

۲. بحث و بررسی

رودکی نخستین شاعری است که پس از حمله‌ی اعراب و تغییر زبان ایرانیان از پهلوی به فارسی دری، دست به نظم کلیله و دمنه از ترجمه‌ی پهلوی آن زده است. با وجود این، بیتی که قرار است در پژوهش حاضر درباره‌ی آن بحث شود، از مثنوی کلیله و دمنه‌ی منظوم رودکی (که در بحر رمل سروده شده) نیست؛ بلکه این بیت اشاره‌ای به یکی از حکایات این اثر دارد. بیت در برخی چاپ‌های دیوان رودکی، از جمله چاپ دوم محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، به صورت زیر نقل شده است:

چنانکه اشتر ابله سوی کنام شده ز مکر روبه و زاغ و ز گرگ بی‌خبر
(همان)

در چاپ نخست محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی این بیت با اختلاف: «بی‌بُد» به جای «ابله»، ضبط شده است (نقیسی: ۱۳۱۹:۱۰۴۸). همین اختلاف در دو چاپ محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، موجب آن شده که مصححان در برخورد با این بیت، برخی آن را به صورت چاپ اول و برخی دیگر همانند چاپ دوم نقیسی نقل کنند.

میرزایف، دانش‌پژوه، هادی‌زاده و کریمیان سردشتی، بیت را همانند چاپ نخست (رک. میرزایف، ۱۹۵۸:۵۱۹؛ رودکی، ۱۳۷۴:۶۵؛ رودکی: ۱۳۸۷:۶۸؛ رودکی: ۱۳۸۸:۱۹۶) و سایر مصححان نظیر: شعار، امامی، قادر رستم، احمدنژاد، منصور، رواقی و...، بیت را مطابق چاپ دوم نقیسی ضبط کرده‌اند (رک. رودکی: ۱۳۷۸:۶۷؛ رودکی: ۱۳۸۶:۶۷؛ رودکی: ۱۳۹۱[الف]:۵۵؛ رودکی: ۱۳۹۱[ب]:۸۳؛ رودکی: ۱۳۹۶:۱۸۲؛ رواقی، ۱۳۹۹:۴۴). دهخدا نیز در همه‌ی مواضع لغت‌نامه، بیت را به همین صورت نقل کرده است (رک. دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل واژه‌های الف، ابله، اشتر، روبه، زاغ، شدن، کنام، گرگ، مکر).

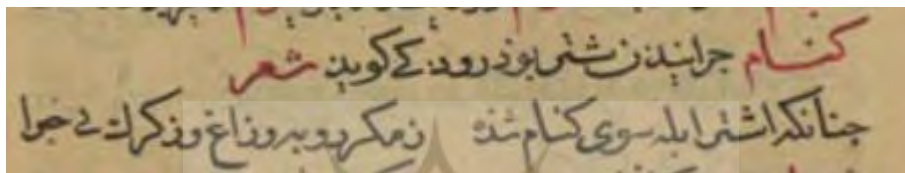
دلیل این اختلاف در ضبط مصراع نخست شعر رودکی، ضبط متفاوت دو نسخه‌ی لغت فرس به شرح ذیل است که نقیسی با توجه به آن‌ها بیت را ضبط کرده است.

نخست در نسخه‌ی لغت فرس مورخ ۷۳۳هـ.ق، ذیل واژه‌ی «کنام»، بیت رودکی این‌گونه آمده است: «کنام: چرانیدن اشتر باشد گویند اشتر را بکنام بر یعنی بچرا بر رودکی گفت

چنانکه اشتر بی‌بد سوی کنام شده ز مکر روبه و زاغ و ز گرگ بی‌خبراً
(اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ذیل کنام)

دو دیگر در نسخه‌ی لغت فرس نخجوانی، بیت مدنظر ذیل واژه‌ی «کنام»، به این صورت ضبط شده است: «کنام چرانیدن شتر بوذ رودکی گوید شعر

چنانکه اشتر ابله سوی کنام شده ز مکر روبه و زاغ و ز گرگ بی‌خبراً»
(اسدی طوسی: ۱۳۱۲: ۱۱۶)



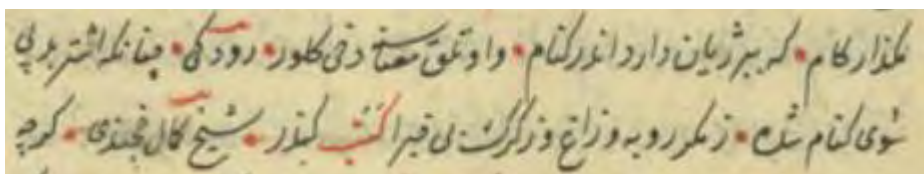
نسخه‌ی خطی لغت فرس نخجوانی کتابخانه‌ی مجلس (ص ۱۱۶)

نفیسی در چاپ نخست محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، بیت را تنها از لغت فرس چاپ برلین نقل کرده و در چاپ دوم، علاوه بر این چاپ، بیت را به چاپ‌های اقبال و دبیرسیاقی نیز استناد داده است. از آنجاکه اقبال در تصحیح لغت فرس ضبط نسخه‌ی دوم را درست‌تر دانسته (رک. نفیسی: ۱۳۱۹: ذیل کنام)، نفیسی نیز در چاپ دوم، بیت را براساس آن تغییر داده است.

شایان ذکر است که اقبال، مصراع دوم را بدین صورت ضبط کرده است: «ز مکر روبه وز زاغ و گرگ بی‌خبراً»؛ و این در حالی است که هیچ‌یک از دو نسخه‌ی مذکور، مصراع دوم را به این صورت ضبط نکرده‌اند و از آنجاکه مصحح به ترجیح خود در حاشیه اشاره‌ای نکرده، ممکن است این ضبط، اغماض مصحح یا اشتباه چاپی باشد.

بیت مدنظر علاوه بر دو منبع مذکور، در فرهنگ لغت شرح بحر الغرائب (لغت حلیمی) نیز به صورت زیر ضبط شده که تحریر دوم این فرهنگ، تاکنون توجه رودکی‌پژوهان را به خود جلب نکرده است:

چنانکه اشتر بدپی سوی کنام شده ز مکر روبه و زاغ و ز گرگ بی‌خبراً
(حلیمی، بی‌تا: برگ ۱۵۰)



نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس (برگ ۱۵۰)

بدین ترتیب، ما در مصراع نخست با سه ضبط و شاید با به‌دست‌آمدن منابع دیگر با چند ضبط، روبه‌رو هستیم که تشخیص ضبط اصیل از ضبط برساخته و فاسد، مستلزم بررسی دقیق بیت و کسب شواهد و قراین با استفاده از منابع دیگر است.

۲. ۱. اشتر «ابله» یا «بی‌بُد» یا «بدپی»؟

همان‌گونه که اشاره شد، در منابع مستند اشعار رودکی، تاکنون سه ضبط متفاوت در مصراع نخست به دست ما رسیده که دو ضبط آن وارد چاپ‌های دیوان رودکی شده است. حال پرسش این است که کدام ضبط برای مصراع نخست دقیق‌تر است؟
درباره‌ی ترکیب «بی‌بُد»، در فرهنگ‌های معاصر، توضیحی ارائه نشده و تنها درباره‌ی واژه‌ی «بُد»، به معنی «چاره و گزیر»، تعریفی مختصر ارائه شده است. این واژه‌ی کم‌کاربرد در متون، ترجمه‌ی «لابد» در زبان عربی است. در نمونه‌ای دیگر از شعر رودکی که در قصیده‌ی معروف «مادر می» آمده، نخستین‌بار بهار، درباره‌ی این واژه بحث کرده است. بیت رودکی در قصیده‌ی مذکور، بدین صورت است:

ورم ضعیفی و بی‌ندیم نبودی وانک نبود از امیر مشرق فرمان

(تاریخ سیستان، ۱۳۵۲: ۳۲۳)

بهار در حاشیه‌ی بیت، واژه‌ی «بی‌ندیم» را به‌صورت «بی‌بدیم» و «پیریم» (= پیری‌ام)، حدس زده است (تاریخ سیستان: ۱۳۵۲: ۳۲۳، ح ۱).

همچنین وی پس از تحریر کتاب در مقدمه‌ای که بعداً به آن افزوده، در تأیید حدس خود نوشته است: «در صفحه‌ی ۳۲۳ در این شعر رودکی:

ورم ضعیفی و بی‌ندیم نبودی وانک نبود از امیر مشرق فرمان

کلمه‌ی «بی‌ندیم» را غلط پنداشته و در حاشیه با تردید «بی‌بُدم» را اصل آن کلمه دانسته بودیم و تصور شده بود که «بی‌بُدی» همان کلمه‌ای است که امروز «لابُدی» گویند، یعنی ناچاری و بیچارگی، اما چون در فرهنگ‌ها و کتب ادبی هنوز چنین کلمه‌ای دیده نشده بود آن را با تردید نوشت، تا آنکه اخیراً کتاب *حدود العالم من المشرق الی المغرب* تألیف‌شده‌ی (۳۷۲) منتشر گردید، حقیر در ضمن مطالعه‌ی این کتاب ناگاه به کلمه‌ی «بی‌بُدی» به‌همین معنی حدسی خود برخورد و آن در صفحه‌ی ۵۸، طبع طهران، سطر ۸ است که گوید: «و مردمان این ناحیت مردمانی‌اند سلیم و بی‌بد و شباناند و برزیگر ...» از این رو معلوم شد حدس ما درست بوده است» (همان: ۱۳۵۲: صص «لد»-«له»).

علاوه‌بر بهار، دهخدا در لغت‌نامه، پیشنهادی دیگر برای ضبط این واژه ارائه داده است. وی حدس زده است که احتمالاً واژه‌ی «بی‌بُدی»، در اصل به‌صورت «بی‌بُدی» بوده که به معنی «بی‌دستی» و کنایه از «بی‌قدرتی» است (رک. دهخدا، ۱۳۷۸: ذیل بی‌بُدی).

ترکیب «بی‌بُدی» و «بی‌بُد»، علاوه‌بر بیت رودکی و *حدود العالم*، در دیوان فرخی و به نوعی در مثنوی معنوی مولوی نیز دیده می‌شود. فرخی در یکی از قصاید خود آورده است:

دل به تو دادم و دلت نستدم مردم دیدی تو بدین بی‌بُدی

(فرخی سیستانی، ۱۳۸۰: ۳۹۶)

در دیوان فرخی چاپ عبدالرسولی این ضبط به‌صورت: «بی‌بُدی»، آمده است (فرخی سیستانی: ۱۳۱۱: ۳۹۸).

مولوی نیز در مثنوی، ترکیب «بی‌بد» را به‌صورت‌هایی چون: «بی‌هیچ بُد»، «نیست بُد»، «نباشد... بُد» و... به‌کار برده است:

خلق را می‌خواندی برعکس شد از خلافت مردمان را نیست بُد

(مولوی، ۱۳۸۶: ۳۸۵)

غفلت از تن بود چون تن روح شد بیند او اسرار را بی‌هیچ بُد

(همان: ۴۹۳)

گفت روبه را جگر کو؟ دل چه شد؟ که نباشد جانور را زین دو بُد

(همان: ۸۴۹)

باز کرد استیزه و راضی نشد که بر این افزون بده بی هیچ بُد
(همان: ۹۵۹)

چنان که ملاحظه می شود، کاربرد «بی بُدی» یا «بی بُد»، در متون هر چند کم سابقه است، اما بی سابقه نیست و می توان با جستجو در منابع خطی و دیوان های شاعران، به شواهد متعدد دیگری نیز دست یافت. با وجود این، واژه ی مذکور به دلیل آنکه در فرهنگ ها ذکر نشده، نزد برخی کاتبان و ادیبان در سده های اخیر شناخته شده نبوده و در آن دخل و تصرف کرده اند.

با توجه به اهمیت ضبط دشوار در تأیید اصالت واژه و تصحیح آن که در شاهنامه ی فردوسی نیز بسیار به کار پژوهشگران آمده، می توان عنوان کرد که این ضبط از دو ضبط دیگر دشوارتر و به همین دلیل قابلیت دخل و تصرف بیشتری در مقایسه با ضبط های دیگر دارد. تا جایی که ممکن است کاتب نسخه ی نخجوانی یا نسخه ی منقول غنه وی، به دلیل عدم درک درست از واژه، آن را به صورت «ابله» در آورده باشد. در نسخه ی لغت حلیمی نیز اگر ضبط «بدپی» (= بدشگون) را از مؤلف فرهنگ بدانیم، بسیار به واژه ی «بی بد» نزدیک است که مشخص است صاحب فرهنگ مذکور یا نسخه های استفاده شده ی وی، عامدانه و به دلیل نداشتن درک درست از واژه، آن را به این صورت فهم پذیرتر کرده اند.

هر چند با توجه به «دشواری ضبط» و «دیرینگی واژه» (که در تصحیح ابیات کاربرد فراوان دارد) می توان یک ضبط را بر دیگری ترجیح داد، اما با توجه به اشاره ی شاعر به «بی خبری» شتر، هنوز با صراحت تمام نمی توان گفت که صورت اصیل تر بیت دقیقاً «بی بُد» است؛ زیرا «بی خبر بودن از مکر» یک دلیل آن «ابلهیت» (= نادانی) است. با وجود این، ما به دلیلی محکم تر برای پذیرش ضبط «بی بُد»، نیازمندیم که رسیدن به آن در گرو بررسی دقیق داستان و درون مایه ی آن است.

بیت مدنظر اشاره به داستان «زاغ و گرگ و شغال و شیر و شتر» در باب «شیر و گاو» دارد. اگر قرار باشد بپذیریم که رودکی در این بیت دقیقاً به یک موضع از داستان اشاره کرده، به احتمال زیاد، معنای حاصل از بیت به این بخش از داستان اشاره دارد که در

ترجمه‌ی منشی آمده: «این فصول با اشتر درازگردن کشیده‌بالا بگفتند، و بیچاره را بدمدمه در کوزه‌ی فُقاع کردند و با او قرار داده پیش شیر رفتند» (منشی، ۱۳۸۹: ۱۰۸-۱۰۹). اما اگر بپذیریم که رودکی مفهوم کلی حکایت را مدنظر داشته، ناگزیریم به کل داستان در ترجمه‌های مختلف کلیله و دمنه مراجعه کنیم تا با توجه به موضوع و درون‌مایه‌ی داستان درباره‌ی ضبط بیت نظر بدهیم.

در برخی تحریرهای دیگر کلیله و دمنه از جمله: پنچاتتیرا (رک. شیکهر، ۱۳۸۵: ۷۰-۷۳)، ترجمه‌ی عربی ابن‌المقفع (رک. ابن‌المقفع، ۱۹۸۹: ۱۰۷)، داستان‌های بیدپای (رک. بخاری، ۱۳۶۹: ۱۱۲-۱۱۳)، کلیله و دمنه‌ی منظوم (رک. قانع‌ی طوسی، ۱۳۵۸: ۱۶۲)، و کلیله و دمنه‌ی جدید (رک. اویسی، ۱۳۳۲: ۷۶-۷۷) و... داستان با اندک تغییراتی روایت شده اما موضوع و بن‌مایه‌ی داستان در همه‌ی آن‌ها یکسان است. باوجود این مشخص است که در داستان، «ابلهیت» و «بدپی» بودن اشتر، توجیهی ندارد. بلکه زاغ با سیاست و مکر خود، با پیش‌قدم شدن در تقدیم جان و همراه‌شدن سایر حیوانات با وی، اشتر را ناچار و ناگزیر به این عمل می‌کند تا جان گران‌مایه را فدای شیر کند. حالت ناگزیری اشتر به دو لحظه از حکایت اشاره دارد: نخست لحظه‌ای که با سایر حیوانات به ناچار همراه می‌شود و به سمت شیر می‌رود و دیگر، لحظه‌ای که حیوانات دیگر قصد دارند یک‌به‌یک جان خود را فدای شیر کنند، ولی دوستان آن‌ها نمی‌پذیرند. در اینجا اشتر همانند سایران ناچار به انجام این فعل می‌شود؛ زیرا اگر جان خود را تقدیم نمی‌کرد، مغضوب واقع می‌شد و مرگ، سرنوشتش می‌بود. بنابراین ضبط «اشتر بی‌بد»، در اینجا با توجه به حکایت کلیله، دقیق‌تر به نظر می‌رسد. ذکر این نکته نیز با توجه به بیت دیگر رودکی و فرخی ضروری می‌نماید که «بی‌بدی» می‌تواند حالتی مابین «بدبختی و بی‌نوابی» و «ناگزیری» باشد.

۲.۲. ایراد موجود در مصراع دوم و تصحیح آن

همان‌طور که پیش از این گزارش شد، مصراع دوم در سه منبع مستند مذکور برخلاف مصراع نخست، بدون اختلاف نقل شده: ز مکر روبه و زاغ و ز گرگ بی‌خبر! تنها در برخی چاپ‌های دیوان رودکی به واسطه‌ی ضبط لغت فرس چاپ هرن و اغماض اقبال

در خوانش یا به دلیل اشتباه چاپی، تغییری مختصر به وجود آمده است. اما ایراد جدی با توجه به شخصیت‌های داستان کللیه و دمنه در مصراع این است که در حکایت مذکور، شخصیت «روباه» وجود ندارد و به جای آن «شغال یا شگال = ابن آوی» حضور دارد.^۳

با توجه به ایراد موجود در این مصراع، پیشنهاد ما برای ضبط درست‌تر بدین صورت است: «ز مکر زاغ و شغال وز گرگ بی خبرا»

نکته‌ی دیگری که این ضبط را تأیید می‌کند این است که در داستان، رهبری نقشه با «زاغ» است و مکار اصلی داستان اوست؛ پس «مکر زاغ» بر مکر دو حیوان دیگر اولویت دارد. همچنین این سه، هنگامی که خود را بر شیر عرضه می‌کنند، نخست زاغ و بعد از آن شغال و گرگ سخن می‌گویند و در آخر نوبت به شتر می‌رسد. بنابراین صورت معرفی شده، منطقی‌ترین حالت ممکن بیت با توجه به متن حکایت است. شایان ذکر است که نظامی گنجوی در بخش «گفتن چهل قصه از کللیه با چهل نکته» از مثنوی خسرو و شیرین تعریضی به این داستان داشته است و در آنجا بدین صورت اشخاص داستان را آورده که کاملاً با داستان کللیه و دمنه مطابقت دارد:

شغال و گرگ و زاغ این ساز کردند که از شخص شتر سر باز کردند
(نظامی گنجوی، ۱۳۹۲: ۴۶۶)

۳. نتیجه‌گیری

در این نوشتار، یک بیت اصلاح شده است. تصحیح اشتباهات کاتبان در بیت بحث شده از رودکی، در مصراع نخست ضبط «ابله» به جای «بی‌بد»، با قاعده‌ی آسان کردن ضبط‌های دشوار به وسیله‌ی کاتبان و مصراع دوم با قاعده‌ی نقل اشعار از حافظه یا حواس‌پرتی کاتب و... به خوبی توجیه‌پذیر است. زیرا از آنجاکه روباه در امثال و حکایات به مکاری و حيله‌گری مشهور است، ذهن کاتب ممکن است از صورت اصل بیت به مکر روباه سوق یابد که در داستان کللیه و دمنه و ترجمه‌های موجود از آن، نقشی ندارد. بنابراین ضبط بیت رودکی به این صورت در مقایسه با سایر صورت‌های بیان‌شده بهتر است:

چنانک اشتر بی‌بد سوی کنام شده ز مکر زاغ و شغال و ز گرگ بی‌خبرا

یادداشت‌ها

۱. برای شناخت بیشتر سایر رودکی‌پژوهان و معرفی و نقد آثار آنان، رک. پیشگفتار دیوان اشعار رودکی، به تصحیح نادر کریمیان سردشتی و همچنین کتاب پیرامون رودکی و رودکی‌شناسان، اثر میرزا ملااحمداف، صص ۱-۱۱.
۲. به دلیل حجم اندک این پژوهش ناگزیریم خوانندگان جستار حاضر را به متن این آثار ارجاع دهیم.
۳. شایان ذکر است که در کتاب پنچاتترا به جای شخصیت «گرگ»، شخصیت «پلنگ» آمده (رک. شیکهر، ۱۳۸۵: ۷۰) و سایر شخصیت‌ها در این کتاب همانند ترجمه‌های دیگر است.

منابع

- ابن المقفّع، عبدالله. (۱۹۸۹). *آثار ابن المقفّع*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اسدی طوسی، ابومنصور علی بن احمد. (۱۸۹۷). *کتاب لغت فرس*. به سعی و اهتمام پاول هرن، برلین (شهر: گتنگن): مطبع دیتریخ.
- _____ (۱۳۱۲). *نسخه‌ی خطی لغت فرس نخجوانی با عنوان «مشکلات در پارسی دری» به خط عبرت نائینی*. کتابت‌شده از روی نسخه‌ای به تاریخ ۷۶۶ و کتابت حسام‌الدین حافظ ملقب به نظام تعریف، کتابخانه‌ی مجلس: ش ۵۵۶۹.
- _____ (۱۳۱۹). *کتاب لغت فرس*. تصحیح عباس اقبال، تهران: مجلس.
- اویسی، علی محمد. (۱۳۳۲). *کلیله و دمنه‌ی جدید*. تهران: چاپخانه‌ی حیدر.
- بخاری، محمد بن عبدالله. (۱۳۶۹). *داستان‌های بیدپای*. به تصحیح پرویز ناتل خانلری و محمد روشن. تهران: خوارزمی.
- تاریخ سیستان. (۱۳۵۲). به تصحیح ملک‌الشعرا‌ی بهار. طهران: مؤسسه‌ی خاور.
- حلیمی، لطف‌الله. (بی‌تا). *شرح بحر الغرائب*. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس: شماره‌ی بازیابی ۸۶۱.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۸). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- رواقی، علی. (۱۳۹۹). *سروده‌های رودکی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

تصحیح و توضیح یک بیت از دیوان رودکی سمرقندی / زهرا نصیری شیراز _____ ۳۰۵

رودکی، جعفر بن محمد. (۱۳۷۴). دیوان رودکی. شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه، تهران: توس.

_____ (۱۳۷۸). دیوان شعر رودکی (با شرح و توضیح). پژوهش، تصحیح و شرح از جعفر شعار، تهران: قطره.

_____ (۱۳۸۶). دیوان اشعار رودکی. تصحیح و ویرایش و توضیح نصرالله امامی، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.

_____ (۱۳۸۷). دیوان اشعار ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی. متن علمی انتقادی با کوشش و اهتمام رسول هادی‌زاده، دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی.

_____ (۱۳۹۱). دیوان ابو عبدالله جعفر بن محمد ابن حکیم ابن عبدالرحمان ابن آدم رودکی سمرقندی. تهیه، تصحیح، پیشگفتار و حواشی قادر رستم، زیر نظر صفر عبدالله، برگردان شاه‌منصور شاه‌میرزا. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی اکو.

_____ (۱۳۸۸). دیوان اشعار رودکی. تصحیح و مقابله‌ی نادر کریمیان سردشتی. تهران: بنیاد فرهنگی هنری رودکی.

_____ (۱۳۹۱). دیوان رودکی (با توضیح و نقد و تحلیل اشعار). کامل احمدنژاد، تهران: کتاب آمه.

_____ (۱۳۹۶). دیوان رودکی. تصحیح جهانگیر منصور، تهران: دوستان. شیکهر، ایندو. (۱۳۸۵). پنچانتترا. تهران: دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۸۰). دیوان حکیم فرخی سیستانی. به تصحیح علی عبدالرسولی، تهران: مطبوعه مجلس.

_____ (۱۳۸۰). دیوان حکیم فرخی سیستانی. به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: زوآر.

_____ (۱۳۵۸). کلیله و دمنه‌ی منظوم. به تصحیح ماگالی تودوا، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

_____ (۱۳۹۳). پیرامون رودکی و رودکی‌شناسان. تهران: علمی و فرهنگی.

۳۰۶ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۲، شماره‌ی ۳، پاییز ۱۳۹۹ (پیاپی ۴۵)

منشی، نصرالله. (۱۳۸۹). ترجمه‌ی کلیله و دمنه انشای ابوالمعالی نصرالله منشی. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی، تهران: امیرکبیر.

مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد. (۱۳۸۶). مثنوی معنوی. به تصحیح رینولد ا. نیکلسون، تهران: هرمس.

میرزایف، عبدالغنی. (۱۹۵۸). ابو عبدالله رودکی و آثار منظوم رودکی. تحت نظری. براگینسکی، استالین‌آباد: نشریات دولتی تاجیکستان.

نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۲). خسرو و شیرین. تصحیح و شرح بهروز ثروتیان، تهران: امیرکبیر.

نفیسی، سعید. (۱۳۱۹). احوال و اشعار ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی. ج ۳، تهران: شرکت کتاب‌فروشی ادب.

_____ (۱۳۴۱). محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی. تهران: کتابخانه‌ی

ابن سینا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی